

Subject Analysis of Deviant Sects and Its Application in the Recurrent Article 500 of the Islamic Penal Code

Ali Mohammadi Houshyar¹

Esmacil Aghababaei Bani²

Received: 2024/11/21 • Revised: 2024/12/10 • Accepted: 2024/12/21 • Published online: 2025/02/17

Abstract

The laws governing the confrontation with deviant sects must have the necessary comprehensiveness and deterrent power to close the path for the establishment and promotion of such sects. The Recurrent Article 500 of the Islamic Penal Code (approved on January 13, 2021) aims to fill the legal gaps in this regard and has been able to address this issue to a significant extent. Since a precise understanding by the relevant authorities and institutions of the deviant sects is considered a prerequisite for the proper understanding and interpretation of this article and its related provisions, this paper provides a cognitive analysis of deviant sects, offering the necessary foundation for interpreting this article. It examines the nature of sects and their operations in society as the main question of the study, analyzing its application within the context of the mentioned article. In this context, elements such as precise definitions of terms, an introduction to active

1. Researcher and Member of the Department for Current Studies, Research Center for Mahdism and Futurology, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. al.mohammadi@isca.ac.ir.

2. Associate Professor, Department of Jurisprudential and Legal Issues, Research Center for Islamic Jurisprudence and Law, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. aghababaei@isca.ac.ir.

* Mohammadi Houshyar, A. & Aghababaei Bani, E. (2024). Subject Analysis of Deviant Sects and Its Application in the Recurrent Article 500 of the Islamic Penal Code. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 5(10), pp. 45-81. <https://Doi.org/10.22081/jikm.2025.70354.1101>

sects in Iran, harm analysis, and the introduction of mind control methods within sects have been studied. The research method is descriptive-analytical, and in addition to introducing the dimensions of sects, it also analyzes their ideologies.

Keywords

Sectarianism, Crimes Against Security, Freedom of Speech, Sectarian Violence, Innovation (in religion).



التحليل الموضوعي للفرق الضالة وتطبيقاته في المادة ٥٠٠ المكررة من قانون العقوبات الإسلامي

علي محمدي هوشيار^١ إسماعيل آقابابائي بني^٢

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/١١/٢١ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/١٢/١٠ • تاريخ القبول: ٢٠٢٤/١٢/٢١ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٢/١٧

الملخص

إن القوانين المنظمة لمواجهة الفرق الضالة والمنحرفة يجب أن تكون شاملة وتمتتع بالقوة الرادعة اللازمة لقطع الطريق على إنشائها وترويجها، وقد سعت المادة ٥٠٠ المكررة من قانون العقوبات الإسلامي (المعتمد بتاريخ ٢٤/١٠/٢٠١٩) إلى سد الثغرات القانونية في هذا الصدد، وقد تمكنت من معالجة هذه القضية إلى حد مقبول. وبما أن المعرفة الدقيقة بالفرق الضالة من قبل الجهات والمؤسسات المختصة تعتبر شرطاً أساسياً لفهم المادة ٥٠٠ والمواد المرتبطة بها وتلقيها بشكل صحيح، فإن هذه المقالة، من خلال تقديم تحليل معرفي للفرق الضالة، قد قدمت الأساس اللازم لتفسير هذه المادة وقد حاولت أن تتناول ماهية الفرق وكيفية عملها في المجتمع كمسألة الدراسة والبحث حول تطبيقها. وفي هذا الصدد تمت دراسة مكونات مثل:

١. خبير في منصب عضو هيئة تدريس، قسم معرفة التيارات، معهد الدراسات المهدوية والمستقبلية، المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران.
al.mohammadi@isca.ac.ir

٢. أستاذ مشارك، قسم القضايا الفقهية والقانونية، معهد الفقه والقانون، المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران.
ghababaei@isca.ac.ir

* محمدي هوشيار، علي؛ آقابابائي بني، إسماعيل. (٢٠٢٤م). التحليل الموضوعي للفرق الضالة وتطبيقاته في المادة ٥٠٠ المكررة من قانون العقوبات الإسلامي، الفصلية العلمية - الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٥(١٠)، صص ٤٥-٨١.
<https://Doi.org/10.22081/jikm.2025.70354.1101>

التعريف الدقيق للمصطلحات، وإدخال الفرق النشطة في إيران، وعلم أمراض أساليب السيطرة على العقول وتعريفها في الفرق. المنهج البحثي في هذه المقالة هو وصفي تحليلي، فهي بالإضافة إلى التعريف بأبعاد الفرق فإنه تمت فيها تحليل أفكارها أيضاً.

الكلمات الرئيسية

الطائفية، الجرائم ضد الأمن، حرية التعبير، العنف الطائفي، الزندقة.



موضوع‌شناسی فرقه‌های انحرافی و کاربرست آن در «ماده ۵۰۰» مکرر قانون مجازات اسلامی

علی محمدی هوشیار^۱ اسماعیل آقابابایی بنی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱ | تاریخ آنلاین: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

چکیده

قوانین ناظر به مواجهه با فرقه‌های انحرافی، باید از جامعیت و مانعیت لازم برخوردار باشد تا راه را در برابر تأسیس و ترویج آنان ببندد. ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۴)، در پی جبران خلأهای قانونی در این باره بوده و توانسته است تا مقدار قابل قبولی به این موضوع بپردازد. از آنجاکه شناخت دقیق مجریان و نهادهای مربوطه، از فرقه‌های انحرافی به‌عنوان پیش‌نیاز فهم و دریافت درست این ماده و مواد مرتبط با آن تلقی می‌شود، این نوشته با عرضه تحلیل شناختی از فرقه‌های انحرافی، بن‌مایه‌های لازم را برای تفسیر این ماده فراهم ساخته و تلاش کرده است تا به چستی فرقه‌ها و چگونگی عملکرد آنان در جامعه، به‌عنوان پرسش این پژوهش نگریسته و کاربرست آن در ماده مذکور را بررسی کند. در این راستا، مؤلفه‌هایی همچون:

۱. کارشناس در جایگاه هیئت علمی و عضو گروه جریان‌شناسی پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی - پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
al.mohammadi@isca.ac.ir
۲. دانشیار، گروه مسائل فقهی و حقوقی، پژوهشکده فقه و حقوق، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
aghababaei@isca.ac.ir

* محمدی هوشیار، علی؛ آقابابایی بنی، اسماعیل. (۱۴۰۲). موضوع‌شناسی فرقه‌های انحرافی و کاربرست آن در «ماده ۵۰۰» مکرر قانون مجازات اسلامی. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۵(۱۰)، صص ۴۵-۸۱
<https://doi.org/10.22081/jikm.2025.70354.1101>

تعاریف دقیق اصطلاحات، معرفی فرقه‌های فعال در ایران، آسیب‌شناسی و معرفی روش‌های کنترل ذهن در فرقه‌ها را مورد مطالعه قرار داده است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و افزون بر معرفی ابعاد فرقه، به تحلیل اندیشه‌های آنان اقدام کرده است.

کلیدواژه‌ها

فرقه‌گرایی، جرایم علیه امنیت، آزادی بیان، خشونت‌های فرقه‌ای، بدعت.



مقدمه

جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی، پیش از آنکه به عنوان یک امر اعتقادی غیرهمسو شناخته شوند، عنصری برای برهم زدن نظم فرهنگی و اجتماعی جامعه تلقی شده و برخورد با سران و مبلغین آنان، از جمله وظایف قانون‌گذاران و مراجع ذی صلاح امنیتی و قضایی به شمار می‌رود. بی‌اعتنایی به خطرات و آسیب فرقه‌ها یا تعجیل و تأخیر در زمان برخورد یا نشناختن آسیب‌های فرقه‌ها و برخورد نادرست با آنان، خود به مثابه آسیب دیگری است که زمینه رشد و حیات فرقه‌ها را فراهم می‌آورد. گذشته از آن، آنچه روند برخورد قانونمند با فرقه‌های مذکور را کند می‌کند، خلاءهای قانونی است که به مانند حیاط خلوتی روشن برای پیدایش و گسترش فرقه‌ها عمل کرده است. الحاق ماده ۵۰۰ مکرر به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)، بخشی از خلاءهای مذکور را جبران کرده است اما برای ابهام، با تفاسیر قضایی گوناگون همراه است و اولین گام در عرصه برخورد با فرقه‌ها، تبیین ابهامات این ماده و معرفی گونه‌های فرقه‌ها و باورهای آنان است.

متن ماده ۵۰۰ مکرر عبارت است از: هر کس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیر گردد، چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می‌گردد. مجازات سردستگی فرقه یا گروه مزبور مطابق ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ تعیین می‌شود: هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود به نحوی که فرد مورد بهره‌کشی و سوء استفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب‌رسانی به قدرت تصمیم‌گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرایمی همچون اعمال منافی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان گردان، خودآزاری یا دیگرزنی، فرد مرتکب این اقدامات گردد. ۲- هرگونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام از طرقی مانند طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی همچون ادعای الوهیت،

نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار علیهم‌السلام.

تبصره ۱ - تأمین مالی و یا هر نوع حمایت مادی دیگر از گروه‌های موضوع این ماده با آگاهی از ماهیت آنها موجب محکومیت به حبس درجه پنج و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر ارزش کمک‌های مالی و حمایت‌های مادی ارایه شده می‌باشد. چنانچه مرتکب شخص حقوقی باشد به انحلال و پرداخت جزای نقدی مذکور محکوم می‌گردد.

تبصره ۲ - ارتباط گروه‌های موضوع این ماده با خارج از کشور برای دریافت حمایت یا هدایت‌های تشکیلاتی موجب تشدید مجازات مقرر به میزان یک درجه می‌گردد.

تبصره ۳ - اموال سرده‌ها و اشخاص تأمین کننده مالی گروه‌های موضوع این ماده که ناشی از جرم بوده یا برای ارتکاب جرم استفاده یا به این منظور تهیه شده باشد و اموال متعلق به گروه‌های مزبور به نفع بیت المال مصادره می‌گردد.

تبصره ۴ - امور آموزشی و پژوهشی و سایر اقدامات مشابه به منظور رد و طرد و پاسخگویی به شبهات و نقد عقاید گروه‌های موضوع این ماده از شمول حکم این ماده و ماده (۴۹۹ مکرر) این قانون خارج است.

در ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی، به جرایم زیر اشاره شده است: ۱- هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود، به نحوی که فرد مورد بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب‌رسانی به قدرت تصمیم‌گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرایمی از قبیل اعمال منافعی، غفلت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان گردان، خودآزاری یا دیگرزنی، فرد مرتکب این اقدامات گردد. ۲- هرگونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام از طرقی مانند طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی از قبیل ادعای الوهیت، نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار علیهم‌السلام. با این حال افزون‌بر احراز جرایم یادشده، دو قید دیگر هم باید احراز گردد: ۱- اعمال ارتكابی در قالب فرقه، گروه و جمعیت یا مانند آن انجام گرفته باشد ۲- روش ارتكاب از راه کنترل ذهن و القاءات روانی باشد.

از آنجا که شناخت موضوع و مصادیق مندرج در این ماده و تطبیق آن با مصادیق، مسئله اصلی این نوشتار است، از این رو چیستی ماهیت فرقه‌ها و چگونگی عملکرد آنان در جامعه سوال اصلی آن خواهد بود که به شکل بینارشته‌ای حقوقی و روانشناختی و جامعه‌شناختی مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد گرفت.

نوشتار حاضر در پی آن است تا: الف- تعریف مشخصی از فرقه، گروه، جمعیت و مانند آن را نشان دهد. ب- نحوه تحقق «کنترل ذهن و القائات روانی» و «تسلط روانی یا جسمی بر دیگری» را با ذکر نمونه‌هایی از فرقه‌ها بیان کند. ج- نمونه‌هایی از فرقه‌ها را بیان کند که گرونده به فرقه، خود قربانی جرم است و مورد «بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی، جسمی یا مالی» قرار می‌گیرد. د- مواردی که باعث می‌شود شخص در اثر «آسیب‌رسانی به قدرت تصمیم‌گیری» مرتکب جرایم دیگر مثل اعمال منافعی عفت و مصرف مشروبات الکلی گردد. ه- آموزش‌های فرقه‌ای که مصادق «ادعاهای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی» است بیان گردد. و- شناسایی نارسایی‌ها و نواقص ماده ۵۰۰ مکرر که به دلیل کم توجهی به موضوع در تدوین قانون رقم خورده است. این نوشتار با روش تحلیلی و توصیفی، تعاریف، طبقه‌بندی‌ها، آسیب‌ها، روش‌ها و ابزارهای تبلیغی فرقه‌ها و نظایر آن را به اختصار به بحث می‌گذارد.

۱. پیشینه موضوع و تحقیق

با مروری بر آثار و منشورات علمی حقوقی، پژوهشی درباره مصادیق‌یابی ماده ۵۰۰ مکرر از زاویه تبیین چیستی و چگونگی عملکرد فرقه‌ها در جامعه یافت نشد و نوشتار حاضر تلاش دارد تا برای اولین بار، ابعاد مصادیقی و قانونی فرقه‌ها را مورد مطالعه و ملاحظه قرار دهد. ماده ۵۰۰ مکرر نیازمند بررسی مجدد و تأمین خلأهای دقیق دارد و تاکنون این مسأله از سوی صاحب نظران نقد فرقه‌ها و جریان فقط‌های انحرافی به عنوان مطالعه موردی ملاحظه نشده و نظریه‌ها و مطالعات موثری در این زمینه وجود ندارد که به‌طور کلی مسیر تحقیقات را تغییر داده باشند.

۲. مفاهیم کاربردی

ماده ۵۰۰ مکرر از عبارت: «هر کس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن...» استفاده کرده است که به اختصار واژه‌ها مواجه شده و موارد مرتبط با آن را می‌توان چنین بیان کرد:

۲-۱. فرقه و موارد مشابه

به‌طور عموم واژه فرقه معادل cult به کار می‌رود. فیل زاگرمین در توضیح معنای cult آورده است: گروه مذهبی کوچکی است که در بهترین حالت عجیب و غریب است و در بدترین حالت مرگبار است. فرقه‌ها چیزهای مشکوکی هستند، فرقه‌ها خطرناکند و قطعاً سازمان‌های دینی مشروعی نیستند. وی در ادامه به واژه Sect اشاره کرده و در توضیح آن می‌گوید: گروه کوچک و عجیب و دردسرساز، اما به بدی، غرابت، یا خطرناکی فرقه‌ها نیست (زاگرمین، ۱۳۸۴، ص ۱۲۳).

فرقه، جمعیت، گروه و مانند آن (نحله، انجمن، حزب، طیف، گروهک، توده، جناح، سازمان، جنبش، طیف)؛ نام‌های پرکاربرد اجتماعی برای تقسیم‌بندی مجموعه‌هایی هستند که با اهداف از پیش مشخص شده، در صدد انجام کار تشکیلاتی و جریان‌سازی می‌باشند. چنانچه فعالیت افراد، در قالب هر کدام از اقسام مذکور بوده و مطابق با اهداف مجرمانه فرقه‌ای باشد، مشمول ماده خواهد بود.

براساس ارجاع ماده ۵۰۰ مکرر، در تعریف و توضیح فرقه به ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی، در تبصره ۱ این ماده آمده است: گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم و متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.

البته از جمله اشکالات این تعریف، عبارت «نسبتاً منسجم» در این تبصره است که دارای ابهام است و به نظر می‌رسد که قانونگذار از لفظ «نسبتاً» این معنا را اراده کرده است که نیاز به یک گروه دارای سلسله مراتب تشکیلاتی نیست، بلکه همین که در عرف این جمع را یک گروه منسجم بدانند، برای تحقق گروه مجرمانه کافی است (الهام و برهانی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۲).

چنانچه مراد قانونگذار این باشد، این تعریف را نمی‌توان مطابق با تعریف فرقه دانست؛ زیرا در تشکیل فرقه، سلسله مراتب، تعریف وظایف و قوانین سازمانی به منزله اصل اولیه تلقی می‌شود. البته چنین تعریفی با نحله‌ها که ضرورتی به تشکیلات مرسوم و سلسله مراتب ندارند و در عین حال، بیشتر در پی تحقق اهداف فرقه‌ای باشند مطابقت دارد. در تعریف نحله آمده است: *نَحْل*، ویژه گروه‌هایی است که در اندیشه‌های کلامی از یکدیگر متمایز شده‌اند (ابن حزم أندلسی، ۲۰۱۶م، ج ۳، ص ۲۷۱).

اگر از نگاه بیرونی به نمودهای بارز فرقه‌ها پرداخته شود، درخواستیم یافت که تعالیم فرقه‌ها مجموعه‌ای از صحبت‌های زیبا و عامه‌پسند، در قالب اصول اعتقادی و معنوی یا روانشناختی خاص است، اما آنچه در بررسی فرقه‌ها از دید پنهان می‌ماند، نه عقاید آنان، بلکه روابط و عملکرد تشکیلاتی آنان است که عموماً بر پایه مُرید و مرادی و به‌طور کاملاً منسجم است (محمدی هوشیار، ۱۳۹۶، ص ۳۳).

براساس ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی، تشکیل گروه در تحقق جرم موضوعیت دارد و از این‌رو در تبصره آن بر عدد حداقل سه تصریح شده است. براساس این تحدید، تمامی گروه‌های سه نفره که دارای باور انحرافی باشند داخل در تعریف فرقه خواهند شد و حال آنکه در تشکیل فرقه، عدد موضوعیت ندارد و تعیین یافتن فرقه، یک امر عرفی است و چنانچه عرف متخصصین، با توجه به نوع ساختار و کثرت هوادار و اعضای رسمی یک گروه منحرف، به فرقه بودن آن گروه اتفاق نظر داشته باشند، فرقه بودن آنان متعین می‌شود؛ بنابراین این امکان وجود خواهد داشت که با حضور ده نفر و بیشتر نیز فرقه متعین نشود و عرف متخصصین نیز آنان را به‌عنوان یک گروه منحرف یا خرده جریان تلقی کرده و احکام فرقه را به آنان صادر نکند.

۲-۲. سردهسته فرقه

در ادامه همین ماده آمده است: «مجازات سردهستگی فرقه یا گروه مزبور مطابق ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی...». در توضیح واژه سرکرده فرقه گفته می‌شود: رهبری و سردهستگی فرقه و هر کدام از گروه‌ها و دسته‌های مشمول ماده، عنوانی عمومی

برای موسس و مدیر تشکیلات است که به تناسب نوع و گونه تشکیلات متغیر شده و با عنوان؛ قطب، دبیر کل، قبله عالم، استاد کل و... خوانده می‌شوند. در تعریف این واژه در تبصره ۲ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی، آمده است: سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است.

در توضیح این تعریف چنین می‌توان گفت: طراح کسی است که ایده اصلی فعالیت یک گروه مجرمانه را ارائه می‌دهد و منابع تأمین امکانات و شکل عمل و نحوه شکل‌گیری آن را بیان می‌کند. سازماندهی به‌نوعی اشاره به دعوت و جمع‌آوری افراد یا گروه‌های پراکنده دارد تا اهداف مجرمانه خود را از طریق آنها به منصه ظهور و بروز برساند. تشکیل‌دهنده فردی است که با پیاده‌سازی نقشه عملیاتی تهیه شده توسط طراح یا سازمان‌دهنده اقدام به شکل‌دهی به گروه می‌نماید و اداره‌کننده، گروه تشکیل‌یافته یا سازمان‌دهی شده یا متشکل را هدایت می‌کند (رحمدل، ۱۳۹۸، ص ۸۶).

باتوجه به اینکه ماهیت سردستگی در مقام معاونت در جرم تلقی می‌شود، به این اعتبار حضور فیزیکی سردهسته در صحنه ارتکاب جرم برای تحقق مفهوم سردستگی الزامی ندارد و از راه فضای مجازی یا دیگر وسایل ارتباطی امکان ارتکاب جرم وجود دارد، از این‌رو حیطه فعالیت سردهسته فرقه را اعم از فضای واقعی یا مجازی دانسته و هر دو را به یک میزان مشمول مجازات تلقی کرده است.

۲-۳. اعضای فرقه

در تعریف اعضای فرقه آمده است: «مجموعه‌ای از افراد که خود را ملزم به رعایت منشور تشکیلات می‌دانند و برای محقق ساختن اهداف و دستورات صادر شده از طرف سران و گردانندگان، از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند» (محمدی هوشیار، ۱۳۹۷، ص ۲۱). ازجمله نقایص موجود در ماده ۵۰۰ مکرر، بی‌توجهی به نقش و جرم اعضای فرقه است. براساس ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)؛ هر کس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می‌شود مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است، که

با استناد به این ماده، خلاء مذکور در ماده ۵۰۰ مکرر جبران خواهد شد اما نکته قابل توجه در پایان ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی این است که، آن دسته از اعضای گروه که از اهداف سرکرده بی‌اطلاع بوده را مستثنی کرده و مشمول جرم و مجازات نمی‌داند و این مقدار درباره عضویت در فرقه‌ها محل مناقشه خواهد بود؛ زیرا کسی که به‌طور اعتقادی عضویت یک فرقه را می‌پذیرد، علت عضویت او فقط در امور روانشناختی و مغزشویی و نظایر آن منحصر نشده و در مرحله پس از عضویت، به اقناع علمی می‌رسد. از این رو با تمامی اهداف فرقه آشنا بوده است. توضیح اینکه شاید علت عضویت یک فرد در فرقه، اقناع روانشناختی باشد که البته توجه به عنصر روانی جرم دارای اهمیت است، اما بقاء و ماندگاری او به سبب اقناع علمی می‌باشد و براساس این دیدگاه، تمامی اعضای فرقه‌های انحرافی مشمول مجازات خواهند بود و موردی برای استثناء باقی نمی‌ماند. چنان‌که بند ۳۴ از ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری نفس عضویت در یکی از فرقه‌های ضاله را که از نظر اسلام مردود شناخته شده‌اند، مصداق تخلفات اداری می‌داند، بدون آنکه به اطلاع از اهداف سرکرده و نظایر آن اشاره کند.

۴-۲. کنترل ذهن

براساس ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی، اگر سردرسته فرقه، با استفاده از روش‌های کنترل ذهن و القاءات روانی مرتکب بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی، جسمی یا مالی و نظایر آن شود، مجازات مشخصی خواهد داشت. از این رو، توضیح روش‌های کنترل ذهن و القاءات و تسلط روانی ضروری است.

سلطه روانی در فرایند کنترل ذهن اتفاق می‌افتد و عبارت است از: تغییر تحلیل‌های مخاطب براساس روش و الگوهای خاص با هدف بهره‌کشی و سوء استفاده از مخاطب که واژه‌هایی مانند شستشوی مغزی^۱، کنترل اندیشه^۲، اصلاح اندیشه^۳، اصلاح

1. Brainwashing
2. Thought control
3. Thought reform

ایدئولوژیک^۱ و مغزشویی^۲ معادل آن به کار رفته‌اند. این عمل ممکن است از راه روش‌های زیر صورت گیرد: ۱- کنترل همه جانبه افراد ۲- خود اعترافی ۳- منزوی کردن ۴- شکنجه ۵- ایجاد فرسودگی جسمی و روانی ۶- تحقیر شخصیت ۷- مسلم فرض کردن جرم ۸- همانندسازی ۹- کاهش توانایی ذهنی ۱۰- ایجاد سردرگمی ۱۱- تلقین ۱۲- تکرار عقیده ۱۳- رفتار شرطی و... (کاویانی، ۱۳۹۰، ص ۳۵۷). البته مقوله انگیزه القاءات و تسلط روانی می‌تواند در تعیین مقدار مجازات نقش داشته باشد به‌طور مثال برای مراقبت از فردی در برابر سوءاستفاده دیگران انجام گیرد که در این صورت مطابق بند ۳ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی «وجود انگیزه شرافت‌مندانه در ارتکاب جرم» ممکن است از عوامل مخففه مجازات محسوب شود.

۳. رفتارهای ارتكابی

آسیب‌ها یا پیامدهای مندرج در ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی را در دو عنوان کلی می‌توان مورد توجه و بررسی قرار داد تا مراد قانون‌گذار در بکار بردن عناوین مورد نظر تبیین گردد که عبارتند از: ۱- کنترل ذهن و سلطه روانی ۲- سوء استفاده و بهره‌کشی از پیروان فرقه‌ها.

۳-۱. کنترل ذهن و سلطه روانی

۳-۱-۱. سلطه روانی بر اعضا

سلطه روانی نتیجه استفاده از روانشناسی تاریک است که با استفاده از روش‌هایی؛ مانند کنترل ذهن، بازجویی قهرآمیز، تبلیغات فریب‌آمیز، گفتار متقاعدکننده، حذف محبت، باج‌گیری عاطفی، رفتار پرخاشگری منفعل، جلب اعتماد از راه بمباران عشق و نظایر آن انجام می‌شود و شاید کنترل ذهن، افراطی‌ترین نمونه روانشناسی تاریک باشد

1. Ideologici reform

2. Menticide

که در آن فرد یا گروهی در پی کنترل دیگران هستند. بیشتر ممکن است این مورد را درباره سران فرقه‌ها مشاهده کرد که به کمک این رویکرد، پیروان خود را متقاعد می‌کنند تا هر دستوری را اجرا کنند. به عنوان نمونه به چند روش مرسوم در فرقه‌های انحرافی اشاره می‌شود:

۳-۱-۲. نابودگری اندیشه

این روش عبارت است از بی اعتبار کردن منشأ و مبانی اصلی اندیشه، که می‌تواند با روش‌های گوناگونی در فرایند تبلیغی فرقه‌های انحرافی اجرا شود. به طور عموم نابودگری اندیشه با تمسک به مغالطات، تحریفات، تدلیس حق، تقطیع مضر، ترجمه اشتباه، تقویت گمان و سوء ظن و نظایر آن انجام می‌شود که تمامی این موارد را می‌توان ذیل واژه «فریب» مورد بررسی و انتقاد قرار داد. جریان‌ها به خوبی می‌دانند که برای نابودگری اندیشه، همین مقدار کفایت تا پایگاه اندیشه مخاطب را شناسایی کرده و مورد هدف قرار دهند، آنگاه بدون هیچ هزینه‌ای نظام فکری او را برانداخته و تصاحب خواهند کرد؛ به عنوان مثال برای آنکه یک شیعه دوازده امامی که باورهای دینی او از بنیاد مرجعیت دریافت شده است را مورد تبلیغ قرار دهند، ابتدا باید مرجعیت شیعه را در نظر او تخریب کنند؛ از این‌رو از روش نابودگری استفاده کرده و اندیشه فرد تبلیغ شده را درباره سلامت مالی و اعتقادی مراجع تقلید مورد هدف قرار می‌دهند. آنان برای انجام این کار، به ابزارهای حدیثی دست یافته و برای اثبات ادعایشان، برخی احادیث مشابه را پیش روی وی قرار می‌دهند.

به طور عموم تمامی جریان‌های انحرافی؛ مانند جریان احمد اسماعیل بصری، به توقیع اسحاق بن یعقوب استناد می‌کنند. در بخشی از این توقیع اشاره به مباح بودن خمس و عدم وجوب پرداخت خمس از سوی شیعیان اشاره دارد. اندیشه فرد تبلیغ شده به

۱. وَ أَمَّا الْخُمْسُ فَقَدْ أُبِيحَ لِشِيعَتِنَا وَ جُعِلُوا مِنْهُ فِي حِلٍّ إِلَى وَ قَتِ ظُهُورُ أَفْرَنَّا لِطَيْبٍ وَلَا دَنُئُهُمْ وَلَا تَحَبُّثٌ (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۹۲).

محض آنکه با چنین روایتی مواجه می‌شود، نابود شده و با تصور اینکه سال‌ها پیرو کسانی بوده‌اند که به شکل باطل و ناحق از مردم وجوهات شرعی دریافت می‌کردند، عنان از کف داده و ضمن مخالفت با مراجع تقلید، خود را آماده پذیرش هرنوع مطالبی از سوی مبلغ می‌نماید.

۳-۱-۳. خودانتقادگر سازی

خود انتقادی یکی از خصوصیات فردی است که موجب ناتوانی در برقراری ارتباط درست با دیگران می‌شود و در نتیجه این احساس، افراد به طور مداوم خودشان را سرزنش می‌کنند. در حقیقت خودانتقادی متأثر از عوامل درونی است که اشاره به نگرانی‌های بیش از حد راجع به پیشرفت و موفقیت دارد و با موضوعات مرتبط با عزت نفس همچون احساس گناه، احساس شکست در رسیدن به استانداردها، احساس حقارت و احساس بی ارزش بودن همراه است. این افراد در دستیابی به اهداف خود بر قضاوتی شدید تمرکز دارند و قادر نیستند از پیشرفت‌های خود لذت ببرند (سیدنی، ۱۹۹۵، ص ۱۸). یکی از روش‌های پر کاربرد در کنترل ذهن، خود انتقادگر کردن مخاطب است که با تخریب دژ مستحکم باورهای مخاطب همراه بوده و جایگاه شخصیتی او را متزلزل می‌کنند. در این روش که به شکل گروهی انجام می‌شود، مخاطب مورد نظر را بدون آنکه از اهداف و اندیشه مبلغین جریان مطلع باشد، محاصره می‌کنند و در مدت زمانی معین و در مناسبت‌های گوناگون، طوری القاء می‌کنند که او فردی یکدنده و لجباز و دور از آبادی است و حاضر نیست نکات تازه یاد بگیرد. وقتی این تذکر از سوی افراد متعددی به او داده شد، به مرور تحت این القائات ذهنی قرار گرفته و شروع به انتقاد از خود می‌کند. این خودانتقادی‌ها به منزله باز کردن روزنه‌هایی برای وارد شدن اطلاعات و باورهایی است که از ابتدا مورد توجه مبلغین می‌باشد.

به طور معمول خودانتقادگر شدن فرد، به منزله نقطه آغازین افسردگی و بیماری‌های روانی او به شمار می‌رود که می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین آسیب‌های فرقه‌های انحرافی در فرایند تبلیغی باشد. خود انتقادی یکی از خصوصیات فردی است که موجب

ناتوانی در برقراری ارتباط درست با دیگران می‌شود و در نتیجه این احساس، افراد به‌طور مداوم، خودشان را سرزنش می‌کنند.

در حقیقت خودانتقادی متأثر از عوامل درونی است که اشاره به نگرانی‌های بیش از حد، راجع به پیشرفت و موفقیت دارد و با موضوعات مرتبط با عزت نفس همچون احساس گناه، احساس شکست در رسیدن به استانداردها و احساس حقارت و احساس بی‌ارزش بودن همراه است. این افراد در دستیابی به اهداف، بر خود قضاوتی شدید تمرکز دارند و قادر نیستند از پیشرفت‌های خود لذت ببرند (سیدنی، ۱۹۹۵، ص ۱۵) نتیجه نهایی خودانتقادگری در فرقه‌های انحرافی، ترس از دست دادن آخرین پشتوانه و تجربه شکستی دیگر است که فرد جذب شده به فرقه را مجبور به ماندن در فرقه می‌کند.

این نوع از مواجهه که مخاطب را «متهم» به فرانگرفتن و گوش ندادن به سخنان دیگران می‌کند، دقیقاً برخلاف روش تبلیغی اسلام است. آنچه اسلام راستین به مخاطبین خود عرضه می‌کند، «دعوت» به تعقل و تفکر به همراه دعوت به شنیدن سخنان دیگران است و هیچگاه مخاطبین خود را تحت القاءات روانی مجبور به پذیرش سخنان خود نمی‌نماید.

۳-۱-۴. روش بازگشت

استراتژی بازگشت، یکی از مؤثرترین‌ها در کنترل ذهن است که در قالب‌های گوناگونی از سوی جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی مطرح می‌شود. بازگشت به خود، بازگشت به اسلام، بازگشت به کلیسا، بازگشت به اصول و تعابیری مشابه، که همه آنها در پی پیاده‌سازی استراتژی بازگشت هستند. البته این تکنیک باتوجه به فرهنگ یا تمایلات سنتی مردم طرحی شده است. توضیح اینکه تمایل و علاقه به اشیاء و سنت‌های کهن، تصور بهتر بودن روش‌های تاریخی، توجه به معماری‌ها و صنایع دستی و تاریخی، باور به ممتاز بودن پیشینیان از نظر صداقت و پاکی و نظایر آن، زمینه را برای طراحی و اجرای روش بازگشت فراهم کرده است.

به‌عنوان مثال، منصور هاشمی خراسانی در کتاب بازگشت به اسلام، تلاش بر آن دارد تا اسلامی بودن باورها و اعمال مخاطب را زیر سؤال برده و پس از تخریب داشته‌ها، او را به بازگشت به باورها و رفتارهای صدر اسلام وادار کند. طی این فرایند تخریبی و تأسیسی، قرائت خود از اسلام حقیقی را به مخاطب القاء نموده و اسلام مورد نظر خود را با عنوان «آنچه یک مسلمان باید باشد» بر او تحمیل می‌کند (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۳، ص ۹۸).

یا می‌توان به مقوله بازگشت به خود اشاره کرد. در این روش ابتدا در ذهن مخاطب وضعیت موجود را به چالش کشیده و سپس کاراکتر منطبق با اندیشه‌های خود و علاقمندی‌های مخاطب را طراحی می‌کند. در گام بعدی به او چنین القاء می‌کند که این کاراکتر حقیقی تو است و تنها راه بازگشت به این حالت، پیوستن به جمع و اندیشه ما می‌باشد. این نوع از بازگشت برای برخی افراد، بسیار جذاب به نظر می‌آید و برای رسیدن به آن، خود را در اختیار جریان انحرافی قرار می‌دهند. روش بازگشت به خود، از جمله روش‌های مورد توجه در تبلیغ مسیحیت است که با استفاده از مدل اینیگرام (Enneagram) که سیستمی بر ساخته از ۹ تیپ شخصیتی است، اندیشه مخاطب را تغییر می‌دهند. یان مورگان در کتاب بازگشت به خود؛ خودشناسی از طریق اینیگرام، می‌گوید: اولین بار کتاب آشنایی با اینیگرام را از یک راهب مسیحی دریافت و مطالعه کردم. راهب به من گفت: این کتاب پر از معرفت برای افرادی است که می‌خواهند از مسیری که در آن هستند خارج شوند و به کسی تبدیل شوند که برای آن ساخته شده‌اند (مورگان کرون، ۱۳۹۷، ص ۱۶).

۳-۱-۵. روش القای پوچی

مراد از پوچی در این روش، هیچ‌انگاری به معنای انکار هر نوع معنی و ارزش برای هستی جهان نیست. بلکه آنچه در این روش به مخاطب القا می‌شود، خالی بودن دستان مخاطب از هر نوع استدلال و پشتوانه علمی برای باورهای او می‌باشد که همانند یک زلزله شدید، ساختمان اعتقادات او را فرو می‌آورد. انکار داشته‌ها، بی‌ارزش دانستن

معلومات و استدلال‌ها، ضعف مدارک و استنادها، ناتوانی رهبران در دفاع از باورها، تمسخر و استهزای پیشرفت‌ها، ناچیز دانستن توانایی‌ها، مقایسه وضعیت موجود با برترین‌ها و موارد مشابهی که پایگاه معرفتی و عاطفی انسان را اینگونه مورد هدف قرار دهد، در روش القاء پوچی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مبلغین فرقه‌های انحرافی با استفاده از این روش، مخاطب را در برزخ بی‌کسی قرار داده و سرزمین باورهای بدون نگهبان را تصاحب می‌کنند.

به عنوان مثال، فرقه‌های انحرافی به خوبی می‌دانند که امکان مناظره آنان با مراجع عظام تقلید، آنهم در رسانه ملی غیر ممکن است. از این رو اعلام مناظره کرده و پخش در رسانه ملی را نیز شرط مناظره قرار می‌دهند. مخاطب نظاره‌گر در مواجهه با عدم اجابت مناظره از سوی بزرگان شیعه، بدون توجه به مصالح مورد نظر، چنین تلقی می‌کنند که کسی قادر به پاسخگویی به سخنان این جریان نیست و شیعیان فاقد پشتوانه علمی هستند؛ به عنوان نمونه عباس فتحیه یکی از مبلغین جریان احمد اسماعیل است که تمامی علمای شیعه را با ذکر نام و جایگاه به مناظر دعوت کرد. وی به خوبی می‌دانست که توان مناظره با علمای شیعه را ندارد اما با این وجود، برای مخدوش کردن اذهان عمومی و القای پوچی و سستی مبانی اعتقادی جوانان شیعه، اقدام به اعلام روز شمار کرد. آنچه در این عملیات روانی اتفاق می‌افتد، احساس پوچی و بی‌پناهی برای مخاطب نظاره‌گر است که زمینه را برای تصرف سرزمین باورهای او فراهم می‌نماید. یا ممکن است برای تحقق همین هدف، علما را به پاسخگویی یا نقد آثار و آموزه‌های جریان نمایند که در صورت عدم پاسخگویی، اهداف آنان به ثمر خواهد نشست. همان ایام، به جهت ایجاد بن بست برای این عملیات روانی، عباس فتحیه و برخی از بزرگان جریان احمد اسماعیل را با فرستادن ایمیل رسمی به مکتب احمد اسماعیل در نجف، به مناظره دعوت کرده و خطاب به شخص احمد اسماعیل، اعلام مباحثه نمودم. آنچه از سوی آنان منتشر شد، صوتی از جانب عباس فتحیه بود که می‌گوید: «آقای هوشیار من نمی‌توانم با تو مناظره کنم. من به صدای تو آلرژی

دارم» (کانال موسسه بروج، ۱۳۹۷)

۳-۱-۶. القاء جرأت مخالفت

از جمله روش‌های رایج کنترل ذهن در فرقه‌های انحرافی، ترک تقيه و ابراز اجتماعی است. آنان با این کار به پیروان خود جرأت مخالفت را القاء کرده و آنان را در مسیر جدیدی قرار می‌دهند. مسیری که دارای اندیشه متفاوت و رویکردی متمایز از گذشته است. بدیهی است که اندیشه انسان در تقيه با اندیشه انسان در فضای ابراز بسیار متفاوت است و تأثیر شرایط نیز بر نوع اندیشه قابل انکار نیست؛ بنابراین با ورود اعضا به فضای جرأت‌مندی و ابراز، اندیشه آنان از اندیشه یک عضو عادی به اندیشه یک مبلغ فعال و کنشگر اجتماعی تبدیل خواهد شد. برخی از روش‌های ایجاد جرأت‌مندی در افراد عبارتند از:

الف. ترویج و القاء ایدئولوژی‌های مخالف با جامعه. از جمله روش‌های القاء جرأت‌مندی برای مخالفت، ترویج و القاء ایدئولوژی‌های مخالف با جامعه است که از سوی جریان‌ها به پیروان و اعضای خود اعمال می‌شود. البته این روش در قالب یک استدلال عقلی و عرفی پی‌ریزی می‌شود. آنان با اعلام اینکه اعتراض و مخالفت با برخی قوانین و شرایط جامعه حق مسلم یک شهروند است، پیروان خود را وادار به حق‌طلبی یا عدالت‌طلبی کرده و در مسیر اعتراض قرار می‌دهند.

ب. تحریک احساسات و انگیزه‌های شخصی. القاء احساس خوشبختی، تشویق برای حرکت رو به جلو، القاء کنار هم بودن تا رسیدن به موفقیت، تشویق به داشتن ژست قدرت، تحریک عواطف و حس انتقام جویی و نظایر آن. هر کدام توان آن‌را دارند تا اعضای جریان را در مسیر جرأت‌مندی قرار داده و برای رسیدن به هدف نهایی پایبند کنند. البته هیچگاه از هدف نهایی در فرقه‌ها رونمایی نمی‌شود تا همواره حس عطش و رسیدن در پیروان زنده بماند، از این رو آنان را با واژه‌ای همچون هدف والا، هدف مقدس و... در پی خود می‌کشاند.

ج. القاء امدادهای غیبی. حمایت و امداد غیبی یکی از امور پذیرفته شده در آموزه‌های دینی است، اما گاهی همین امر مورد سوء استفاده قرار گرفته و به عنوان ابزاری برای تحریک و القاء جرأت‌مندی پیروان جریان‌های انحرافی مورد استفاده قرار

می‌گیرد. این مقوله، پیروان جریان‌ها را به امید اینکه مورد حمایت و توجه خداوند قرار خواهند گرفت، جسور کرده و قدرت مخالفت را در آنان زنده می‌کند.

از دیدگاه روانشناسان، این حالت به منزله یک بیماری روانی تلقی شده و از آن با عنوان اختلال شخصیت ضد اجتماعی یا سایکوپاتی (psychopathy) نام برده‌اند. این اختلال ممکن است در مواجهه با عوامل گوناگونی در زندگی انسان رخداد کند که یکی از عوامل مورد نظر، القاءات فرقه‌ای است که فرد را تحت تأثیر خود قرار داده و او را به یک بیمار روانی و شخصیت ضد اجتماعی تبدیل کرده است. فرقه‌ها به خوبی می‌دانند که مبتلایان به اختلال شخصیت ضد اجتماعی، برای رفتارهای درست و نادرست دیگران اهمیتی قایل نبوده و از قانون‌ها پیروی نمی‌کنند. البته باید تذکر داد که هرگونه عملکردی که خلاف اجتماع و قوانین موضوعه آن باشد غلط نیست و عاملین آن را نمی‌توان به برخورداری از مشکلات روانی متهم کرد، بلکه محل بحث ما ناظر به کسانی است که بدون توجه به دیگران و حقوق آنان، اندیشه مخالف‌گرایی خود را ترویج داده و با هر آنچه باب میل آنان نباشد مخالفت می‌کنند (سماواتی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۷۳).

۲-۳. سوء استفاده و بهره‌کشی از پیروان فرقه‌ها

نوع دیگر از جرایم و رفتارهای ارتكابی در فرقه‌ها که ممکن است برخی تحت عنوان جرایم عام و نه خاص فرقه‌ای قابل پیگیری باشد و برخی دیگر فاقد عنوان مجرمانه در قوانین موجود باشد، در قالب سوء استفاده و بهره‌کشی از پیروان تعریف شود.

فرقه‌های انحرافی، طعمه‌های خود را از میان افراد آسیب دیده یا در معرض آسیب انتخاب می‌کنند. آنها برای آنکه در فرایند تبلیغی به نتایج مطلوبی دست یابند، اقدام به تأمین نیازهای مخاطب کرده و یا برای حل یکی از مشکلات او اقدامات اساسی انجام می‌دهند. البته گاهی نیاز یا مشکلی در کار نبوده و تنها برای اجرای روش مدیون‌سازی در مخاطب، بدون آنکه او در جریان باشد، اقدام به نیازسازی یا مشکل آفرینی کرده و

خود نیز در پی تأمین و حل آن گام بر می‌دارند. گاهی مخاطب تبلیغی دچار خلاء احساسی است و مدام احساس آن‌را دارد که درون او یک جای خالی وجود دارد و هیچ چیز نمی‌تواند آن حفره را پر کند. جریان‌های انحرافی با کشف این خلاء در وجود مخاطب، اقدام به ترمیم و جبران کرده و شکل جدیدی از زندگی را پیش روی او قرار می‌دهد. فرد جذب شده که زندگی جدید خود را مدیون جریان می‌داند، به پاس جبران یا از ترس بازگشت به زندگی گذشته، جهان‌بینی قبلی خود را کنار گذاشته و نسبت به آموزه‌های جدید پذیرا می‌شود. البته مدیون سازی می‌تواند با اعطای القاب، جایگاه، پول، مجوز اقامت، اجازه شرکت در جلسات، ارتباطات عاطفی و جنسی، تأمین امنیتی و مواردی مشابه با آن صورت گیرد. پس از جذب مخاطب به جریان، هر کدام از ابزارهای مدیون سازی به‌عنوان اهرمی قدرتمند در دستان مدیران و مبلغان جریان‌های انحرافی قرار می‌گیرد. آنچه در مدیون‌سازی کاربرد دارد، استفاده ابزاری از اخلاق است که عموم جریان‌های انحرافی از آن بهره‌مند می‌شوند؛ به‌عنوان مثال می‌توان به بهائیت اشاره کرد که برای جذب افراد، به مهربان‌نمایی یا همان اخلاق ابزاری متمسک می‌شود تا با این رفتار نمایشی، مخاطبین خود را مدیون سازمان کرده و اندیشه آنان را تغییر دهند.

البته در ایدئولوژی بهائیت، مقوله اخلاق اصالت ندارد اما به‌عنوان ابزاری برای جذب افراد جدید به سازمان مورد استفاده قرار می‌گیرد و در دوره‌های آموزشی بهائیان نیز تظاهر به اخلاق، به‌عنوان یک روش و ابزار مهم تبلیغی تأکید می‌شود. در گزارش یکی از جلسه‌های محفلی هم که راجع به روش تبلیغ اعضا است چنین آمده است: «ما بایستی با همسایه‌ها و مردم و محصلین طرح دوستی بریزیم و در مرحله اول اصولاً نامی از دین به میان نیاوریم و نگوییم که منظورمان چیست؛ پس از آنکه آنها را شیفته محبت کردیم یک دفعه عقاید خود را ابراز نماییم...» (اسماعیلی، ۱۴۰۰، ص ۳۰۳).

طبق دستوری که محفل بهائیان به پیروی از بیت العدل صادر کرده است؛ هر خانواده بهایی باید به یک خانواده مسلمان نزدیک شود. بر این اساس آنها مکلف می‌شوند یک خانواده مسلمان را در اطراف خود شناسایی و با روش‌های مختلف با آنان

رابطه برقرار کنند. از نگاه آنان چون این روش با مسائل عاطفی در می آمیزد، احتمال جذب را افزایش می دهد. در این دستور آمده است: «اولاً بهاییان تا می توانند باید در مورد دین خود تبلیغ نمایند، ثانیاً هر خانواده بهایی با یک خانواده مسلمان صمیمانه گرم بگیرد تا بتوان نظر آنان را نسبت به دین بهایی خوش بین نمایند، ثالثاً هر خانواده بهایی باید تا سر حد امکان وظایف و تکالیف دینی خود را به نحو احسن انجام دهند» (اسماعیلی، ۱۴۰۰، ص ۳۰۴).

آنان برای نفوذ بیشتر میان مردم و برای اجرای دقیق روش مدیون سازی، از مشاغل مورد نیاز مردم استفاده کرده و از این راه اندیشه آنان را تغییر می دهند. طی صدور نامه‌ای به لجنه بهاییان مریوان آورده‌اند: «به منظور پیشرفت در دین بهایی، یکی از سیاست‌های ما آن است که حتی المقدور تلاش کنیم مروجین دین بهاء را از میان صاحبان مشاغلی که با اکثریت مردم سروکار دارند، من جمله صاحبان داروخانه‌ها انتخاب کنیم» (اسماعیلی، ۱۴۰۰، ص ۳۰۶).

سوء استفاده و بهره کشی در فرقه‌ها، مصداق بارز خشونت بشمار می رود. خشونت فرقه‌ای، نوعی متفاوت از تمامی خشونت‌ها و جنایات است. در این نوع از خشونت، آنچه بی رحمانه قربانی می شود، تنها جسم و تن انسان نیست، بلکه روح و روان، عقل و خرد، دین و ایمان او نیز قربانی شده و با القاءات و مغز شویی‌ها، انسان را به لاشه‌ای بی اراده تبدیل می کند. پس از اتمام این فرایند، آنان را به بردگی گرفته و افزون بر آن، با ایجاد بی نظمی‌های اجتماعی و قانون ستیزی‌ها، زمینه خشونت‌های جمعی و اجتماعی را در جامعه فراهم می کنند. آسیب‌های مرتبط با خشونت در فرقه‌ها عبارتند از:

۳-۲-۱. ترویج خودکشی

از جمله آسیب‌های فرقه‌های انحرافی، محدود کردن آنان در جامعه و القاء ناهمگونی آنان با آحاد جامعه و در نهایت، ترغیب آنان به انجام عملیات‌های انتحاری یا خودکشی برای رسیدن به معرفت و اهدافی مانند آن است. به طور عموم فرقه‌های مانند داعش و احمد الحسن یا بهائیت که نگاهی تکفیری داشته و دیگران را در ضلالت مطلق

می‌داند، استعداد بیشتری برای انجام چنین رفتارهایی درباره پیروان و اعضای فرقه دارند. در کنار اینها می‌توان به فرقه‌هایی مانند: گروه موسیقی بی‌تی اس، فرقه دروازه بهشت، جامعه آتریوس، جریان آوم شینریکیو، فرقه کارنی یا به فرقه موسوم به خانواده اشاره کرده که؛ توسط فردی با عنوان آن هملیتون بایرن راهبری می‌شد که با جذب کودکان به فرقه خود و تجویز مواد روانگردان، جان ده‌ها دختر و پسر بچه را به خطر انداخت.

۲-۲-۳. ترویج دیگرآزاری

دیگرآزاری یا دیگرکشی، آنهم با اهداف مقدس، از جمله شگردها و آسیب‌های فرقه‌های انحرافی است. این مقوله سابقه دیرینه داشته و از جمله آن می‌توان به تاریخ فرقه بابیت اشاره کرد. آنان با القای باور و اعتقادات تکفیری، پیروان خود را به سنگدلانی بی‌عقل تبدیل کرده و رفتارهای عجیبی از آن به یادگار گذاشته است؛ به‌عنوان نمونه درباره وقایع جنگ بابی‌ها در زنجان آمده است: «در آن حوالی آنچه از اصحاب باب بود، فی الفور خود را بر آن تکیه رسانیده و بعد مجموع آن سوار و فرخ خان (فرستاده ناصرالدین شاه) را نیز دستگیر نمودند. ولی وقتی فرخ خان را پیش جناب شهید (محمدعلی حجت زنجان) بردند آثاری از هستی او نگذاشته و جمیع گوشت بدنش را ریز ریز نموده و برده بودند و تا آنکه پیش جناب شهید برسد جان تسلیم نمود... مختصر آنکه سر مجموع آنها را از بدن جدا نموده و بر سر نیزه‌ها زده و در بام‌ها سرهای آنها را سرفراز نموده تا آنکه حضرات از دور ببینند و عبرت برند (زنجان، بی‌تا، ص ۴۹). مشابه جنایات بابیت؛ جنایات داعش، جنایات صوفیه گنابادیه در ماجرای گلستان هفتم خیابان پاسداران تهران، جنایات فرقه احمدالحسن در تاسوعای سال ۲۰۰۸ و نظایر آن می‌باشد.

۳-۲-۳. تفرقه‌انگیزی

حیات فرقه‌ها بر ایجاد تفرقه دینی و اجتماعی استوار است؛ از این‌رو تمام تلاش خود را بر تفرقه افکنی صرف نموده و بر اختلافات پافشاری می‌کند. به عبارتی دیگر، تفرقه

هنگامی بروز می‌کند که موارد وفاق و اتفاق در نظر گرفته نشوند و بر فرق‌ها و اختلاف‌ها پافشاری شود، به گونه‌ای که پیروان یک دین با وجود ایمان داشتن به خدای یکتا و پیروی از پیامبر و کتاب و قبله‌ای واحد، یکدیگر را گمراه، کافر و اهل باطل پندارند (میرسلیم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۶۷۸).

به عنوان مثال می‌توان به تفرقه‌انگیزی‌های انجمن حجتیه میان مسلمین اشاره کرد. آنها با هدف کنشگر سازی جوانان شیعی بر علیه اهل سنت و مقدسات آنان، مسئله امامت و خلافت را به عنوان اولویت اول و همچنین ماجرای غصب جایگاه خلافت را به عنوان حساس ترین مسئله آنان قرار می‌دهد. این شگرد، اندیشه مخاطب را تغییر داده و با کنار گذاشتن دیگر اصول اعتقادی و مصالح اجتماعی، او را به یک کنشگر ضد اهل سنت تبدیل می‌کند تا عنصری برای تفرقه‌انگیزی باشد.

۳-۲-۴. مخالفت با شعائر دینی و مذهبی

در برخی موارد، ترویج مظاهر فساد و بی بند و باری‌ها، ریشه در اغراض و اهداف ضد دینی داشته و برای آنکه شعائر دینی و مذهبی را نادیده انگارند، روزه خواری علنی یا کشف حجاب و مانند آن‌را ترویج می‌دهند؛ به عنوان نمونه می‌توان به گروه موسیقی BTS اشاره کرد که از جمله اهداف آنان در ترویج هم جنسگرایی، تغییر جنسیت، خودکشی، خشونت و دیگر موارد مشابه با آن، مخالفت با شعائر ادیان الهی و مذاهب رسمی است (پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب، ۱۴۰۱).

۳-۲-۵. فساد اقتصادی

فساد اقتصادی صورت‌های گوناگونی دارد که شامل؛ رشوه، کلاهبرداری، اختلاس، رانت خواری، واردات غیر قانونی، احتکار، قاچاق انسان، پول شویی و پول سازی و موارد مشابه با آن، که گاهی توسط برخی فرقه‌های انحرافی برنامه ریزی و مدیریت می‌شوند. این اقدام با هدف جمع آوری ثروت و سود فراوان انجام شده و بیشتر با پوشش مباحث اعتقادی و دینی محقق می‌شود.

۳-۲-۶. فساد اخلاقی

مفاسد اخلاقی و سوء استفاده‌های جنسی، یکی دیگر از ابعاد فرقه‌های انحرافی است. آنان پس از گذراندن مراحل مغزشویی و کنترل ذهن مخاطب، اعتماد او را به فرقه جلب کرده و با عرضه توجیهات مقدس‌نما، رفتارهای غیراخلاقی و سوء استفاده‌های جنسی از پیروان را مشروع و در جهت درک آگاهی و کسب معرفت جلوه داده این رفتارها را در قالب کمک به پیشبرد اهداف معنوی فرقه القاء می‌کنند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به کریم زرگر، بنیان‌گذار فرقه «مدرسه باطنی راه معرفت» اشاره کرد که در پوشش ترویج معنویت، از مریدان خود سوء استفاده نموده و آنان را مورد آزار جنسی قرار می‌داد. وی در سال ۱۳۹۶ اعدام شد (پایگاه بهداشت معنوی، ۱۳۹۶) و نیز می‌توان به فرقه عدان اکتار، مشهور به هارون یحیی اشاره کرد که با استفاده مفرط از جذابیت‌های جنسی در برنامه‌های خود و با تشکیل حرم‌سرای مدرن و رسانه‌ای کردن آن، در پی آن بود تا شکل تازه و متفاوتی از مهدویت و حکومت امام مهدی (عج) را به مردم معرفی کرده و مهدویت را به‌عنوان جریانی لذت‌جویانه و مرفه‌طلبانه و سکس‌محور معرفی کند و از شکل ظلم ستیزی و عدالت‌گسترانه دور نماید (محمدی هوشیار، ۱۴۰۱، ص ۹۹).

به‌طور عموم افراد جذب شده به این فرقه‌ها، تحت تأثیر آموزه‌ها یا به واسطه رفتارهای تشکیلاتی، گرفتار روابط نامشروع می‌شوند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به فردی به نام راجنیش اُشو، اشاره کرد که به مدت پنج سال، تعداد ۴ هزار نفر را از سرتاسر دنیا در «گُمون بزرگ اُشو»^۱ در آمریکا اسکان داده و مشغول مراقبه شوند. آنها همسر یا خانواده خود را رها کرده و به‌طور دلخواه با اعضای گُمون رابطه جنسی داشته و محدودیتی در

۱. گُمون - جماعت اشتراکی - در سده نوزدهم میلادی متفکران متعددی این موضوع را مطرح کردند که زندگی خانوادگی باید با شکل‌های اشتراکی‌تر زندگی جایگزین شود. در این نوع از زندگی اشتراکی، همه زنان و مردان با همدیگر پیمان زناشویی دسته جمعی بسته و همگی آنان پدر و مادران فرزندان اجتماع می‌باشند. مهمترین نمونه کنونی این نوع از زندگی، نمونه «کیبوتص» در اسرائیل است (گیدنز، ۱۴۰۲، ص ۴۵۱).

این باره نداشتند. اُشو پس از اخراج از آمریکا به علت فساد اخلاقی، در مدت سه ماه به ۲۱ کشور جهان درخواست اقامت داد اما هیچ کدام از آنها اقامت وی را نپذیرفته و سرانجام از روی ناچاری در سال ۱۳۶۴ شمسی به هندوستان بازگشت (اُشو، ۱۳۸۲، ص ۲۳). وی بی بندوباری جنسی و شهوترانی را با شعار «مراقبه زن و مرد، آغاز سفر معنوی» ترویج نموده و از آن به عنوان دین اشو یاد کرد (اُشو، ۱۳۸۱ «ب»؛ ج ۲، ص ۲۴۱).

۷-۲-۳. ترویج اعتیاد

بسیاری از فرقه‌های انحرافی در ایران و جهان، از مواد روان گردان به عنوان یکی از ابزار نگه‌دارنده اعضاء در فرقه استفاده می‌کنند. البته آنان برای توجیه افراد برای استفاده از این مواد، آموزه سازی می‌کنند؛ به عنوان نمونه می‌توان به فرقه عرفان ساحری اشاره کرد که توسط فردی به نام کارلوس کاستاندا پایه گذاری شد. وی اساس آموزه‌های خود را بر مصرف سه گیاه روان گردان ۱- پیوت^۱ - ۲- تاتوره^۲ - ۳- قارچ^۳ بنا نهاده است، کارلوس کاستاندا در توضیح این گیاهان می‌گوید: «با بلعیدن هریک از این گیاهان توهم‌زا، دون خوان در من، به عنوان شاگرد خود، حالات خاصی از ادراک غیرعادی یا آگاهی دیگرگونی ایجاد می‌کرد که من این حالت را «حالت واقعیت غیرعادی» نام نهاده‌ام» (کاستاندا، ۱۳۸۸، ص ۱۰).

۸-۲-۳. ترویج طلاق و جدایی از خانواده

فرقه‌ها اعضای خود را از جامعه جدا ساخته و به عنوان تافته‌ای جدا بافته، در کانون رفتاری و اعتقادی خود محبوس می‌کنند؛ به طور معمول آغاز این جداسازی، از خانواده آغاز می‌شود تا پشتوانه‌های عاطفی افراد جذب شده را به طور کلی نابود سازند تا راه برگشتی برای آنان باقی نماند؛ به عنوان نمونه می‌توان به سخنان اُشو اشاره کرد که

1. Peyot

2. Datura inoxia

3. Psilocybe

ضمن مخالفت با تشکیل خانواده، خانواده را مانع رشد و پیشرفت انسان معرفی می‌کند. وی می‌گوید: من سراپا طرفدار عشقم، چون عشق شکست می‌خورد. من از ازدواج دل خوشی ندارم، چون ازدواج موفق می‌شود و به تو ثبات و آرامشی دائمی می‌بخشد و خطر همین جاست. تو به یک اسباب بازی راضی می‌شوی، تو با شیئی پلاستیکی، مصنوعی و دست ساخته انسان قانع می‌شوی (اشو، ۱۴۰۲، ص ۲۳۰).

اشو در فروپاشی خانواده پا فراتر گذاشته و می‌گوید: بچه‌ها باید به کمون تعلق داشته باشند، نه به پدر و مادرها. والدین به اندازه کافی ضرر زده‌اند، دیگر نمی‌توان به آنها اجازه داد که فرزندان‌شان را فاسد کنند. آنان رقابت و حسادت را به فرزندان‌شان می‌آموزند. داشتن یک پدر و مادر از نظر روانی خطرناک است (اشو، ۱۳۸۱، ص ۹۸).

۳-۲-۹. سوء استفاده‌های مالی

جمع‌آوری پول به بهانه پیشبرد اهداف فرقه، مسئله رایج و مرسوم در فرقه‌های انحرافی است. سرکرده فرقه با این روش، به ثروت بی‌ظیری دست می‌یابد و از طرفی اعضای فرقه را روز به روز فقیرتر و گرفتارتر می‌نماید. بری از آنها مجبور به دریافت وام‌های سنگین از بانک شده و تمامی مبلغ دریافت شده را به سران فرقه تحویل داده و پرداخت اقساط وام را خود برعهده می‌گیرند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به فرقه احمدالحسن اشاره کرد که در پی صدور بیانیه‌های متعدد با عنوان تشکیل سرایاالقائم (لشکر قائم) اقدام به جمع‌آوری پول از اعضای فرقه نموده‌اند (محمدی هوشیار، ۱۴۰۰؛ ص ۱۹).

۳-۲-۱۰. شریعت‌گریزی

پایند نبودن به شریعت، یکی از اصول اولیه بسیاری از فرقه‌های انحرافی است. آنان به بهانه آزمودن اعضاء در میزان تبعیت از استاد یا شیخ و قطب در فرقه، دستور او را بر احکام شریعت ترجیح داده و پیروان خود را به کنار گذاشتن بسیاری از دستورات شریعت ترغیب می‌کنند. طبق این باور گفته‌اند: مرید کسی است که خود را به پیر ببازد، ابتدا دین را از دست بدهد و پس از آن خود را. دین باختن یعنی اگر پیر خلاف دین به

او امر کند، او باید اطاعت کند؛ زیرا اگر خلاف دین خود نرود، او هنوز مرید دین خود است و نه مرید پیر (همدانی، ۱۳۹۲، ص ۹۸)؛ همچنین در ادبیات صوفیانه نوربخشیه آمده است: چون طالب طریقت پیر و مراد خود را یافت و تسلیم او شد جای چون و چرا باقی نمی ماند؛ زیرا پیر از اسراری آگاه است که مرید را آگاهی نیست، بنابراین اگر از پیر رفتاری سر بزنند که موافق طبع (اعتقاد) او نیست نباید سوالی از او سر بزنند باید ایمان داشته باشد که پیر او از او بهتر می داند، همچنین مجاز نیست که پیر را امتحان کند تا رخنه در ارکان عبادت وی افتد (نوربخش، ۱۳۸۱، ص ۷۶).

۴. نقایص و نارسایی های ماده ۵۰۰ مکرر

برخی از نقایص و نارسایی های مهم عبارتند از:

۱. قانون باید ناظر بر «مواجهه» تدوین شود تا بتواند به دو جنبه محافظت از حقوق قربانی شده و مقابله با قربانی کننده توجه داشته باشد. در حالی که ماده ۵۰۰ مکرر، بدون نظر داشت به این مقوله، فقط در پی «مقابله» با قربانی کننده بوده و گاه قربانی شده را نیز با استناد همین ماده مورد مجازات قرار می دهد. به عبارتی دیگر، این ماده، توان تمیز میان سرکرده فرقه، با مبلغ فرقه و جذب شده به فرقه را ندارد.

۲. گاهی اتفاق افتاده است که شخص قربانی کننده (سرکرده فرقه) از بیماری های روانی رنج برده و در اثر توهمات و تخیلات، اقدام به ادعا و جذب افراد کرده است. براساس این دیدگاه، جنبه درمانی سرکرده مورد توجه قرار نگرفته و او را به مانند مجرم ارادی انگاشته است.

۳. در توضیح اقدامات مخل بر شرع مقدس اسلام، فقط به امور کلامی توجه داشته و گفته است: «طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه های دینی و مذهبی از قبیل ادعای الوهیت، نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار (علیهم السلام)». و حال آنکه بسیاری از فرقه های انحرافی، ادعای الوهیت یا نبوت و امامت نکرده و تنها با روش دخل و تصرف در عدد اوصیا پیامبر ﷺ یا نوع تفاسیر عرضه شده در این حوزه (انکار توسل، انکار عصمت و...)، ایجاد انحراف کرده اند.

۴. بی‌توجهی به فرقه‌های معنویت‌گرا، درمانگرا و فرقه‌های روانشناختی و فراروانشناختی که در برگیرنده آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشند.

۵. بی‌توجهی به سوء استفاده از راه علوم ماورایی و علوم غریبه (سحر، جادو، استفاده از جن و ...) در فرقه‌های انحرافی که در نوع خود بیشترین آسیب‌ها را از سوی سرکرده و مبلغین فرقه‌ها به دیگران داشته و در برخی موارد، به‌عنوان ابزاری برای جذب اعضا به فرقه کاربرد دارد. توجه به این مقوله می‌تواند در تشدید جرم موثر واقع شود.

۶. نادیده گرفتن ترویج باورها، رفتارها و گفتارهای غلوآمیز درباره سران فرقه، با هدف مرید پروری که دارای آسیب‌های اجتماعی و پیامدهای اخلاقی و معرفتی است.

۷. بی‌توجهی به ابعاد امنیتی فرقه و به‌طور نمونه؛ بی‌توجهی به مسئله برهم زدن امنیت کشور در قالب ترویج برخی از اعتقادات دینی که از جمله نقایص این ماده به شمار می‌آید.

۸. براساس تصریح ماده ۵۰۰ مکرر: «چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می‌شود» باید به این نکته توجه داشت که جرایم حدی را می‌توان در قالب عناوینی چون افساد فی الارض، ارتداد، زنا یا محارم قابل تحقق دانست با این حال، قواعد حاکم بر تشدید و تکرار مجازات در جرایم حدی متفاوت از جرایم تعزیری است که در جای خود باید بدان پرداخت و در اینجا تنها به ذکر این نکته اکتفا می‌کنیم که اسباب تشدید مجازات‌های تعزیری را نباید با اسباب تشدید در مجازات‌های حدی خلط یا میان مجازات حدی و تعزیری جمع کرد.

۹. یکی دیگر از جرایم تصریح شده در بند ۱ ماده ۵۰۰ مکرر، «تشویق افراد به ارتکاب جرایمی همچون اعمال منافی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان گردان، خودآزاری یا دیگرزنی...» است. این تشویق که به خودی خود، یکی از مصادیق معاونت در جرم می‌تواند باشد، جرم مستقل و دارای مجازات خاص به شمار آمده است، حال آنکه مصادیق دیگر معاونت به شرح ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی نیز دست کمی از تشویق ندارد و شایسته بود به‌عنوان جرم مستقل مد نظر

قانون‌گذار قرار گیرد و به شکل کلی، معاونت در ارتکاب جرایم فرقه‌ای، جرم با مجازات مستقل به شمار آید. به خصوص از این نگاه که شرایط تحقق معاونت در مواردی مثل اغفال، قابل تحقق نیست و بخش قابل توجهی از فعالیت‌های فرقه‌ها از نوع اغفال محقق می‌گردد.

۱۰. وجود ابهام در جملاتی مانند: «فرقه، گروه، جمعیت و مانند آن»، «کنترل ذهن و القائات روانی»، «تسلط روانی یا جسمی بر دیگری»، «بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی، جسمی یا مالی»، «آسیب‌رسانی به قدرت تصمیم‌گیری»، «ادعاهای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی»، «رفتار مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام»، «سردستگی فرقه» از جمله مواردی است که نیاز به تفسیر قانونگذار داشته و عدم تفسیر این موارد، مجریان قانون را در تعیین مصادیق دچار اشتباه در نوع مواجهه و صدور حکم خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، با توجه به موضوعات متنوع و پیچیده‌ی فرقه‌ها و گروه‌های انحرافی، تلاش شده است تا ابعاد گوناگون این پدیده‌ها از جنبه‌های حقوقی، اجتماعی، روان‌شناختی و دینی بررسی گردد. تحلیل ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی و چالش‌های موجود در برخورد با فرقه‌ها، اهمیت توجه دقیق به ابعاد گوناگون این مسئله را نمایان می‌سازد. در این راستا، موارد گوناگونی همچون کنترل ذهن، القائات روانی، بهره‌کشی و سوءاستفاده، آسیب رساندن به قدرت تصمیم‌گیری و نقض باورهای دینی در چارچوب فرقه‌ها، همگی به عنوان عواملی مورد بحث قرار گرفتند که می‌تواند نه تنها تهدیدی برای افراد درگیر، بلکه تهدیدی برای نظم و سلامت اجتماعی نیز باشند.

خلاصه یافته‌های این پژوهش عبارت است از:

- ۱- ماهیت فرقه‌ها: فرقه‌ها، گروه‌ها و جمعیت‌هایی که در قالب اعتقادات انحرافی و به روش‌های روان‌شناختی غیرقانونی عمل می‌کنند، نه تنها تهدیدات فردی برای اعضای خود به همراه دارند، بلکه می‌توانند تهدیداتی برای انسجام اجتماعی و

امنیت جامعه نیز به شمار آیند. این فرقه‌ها با استفاده از ابزارهای گوناگونی همچون کنترل ذهن، تحمیل باورهای نادرست دینی و اجتماعی و سوءاستفاده از احساسات و نیازهای روانی افراد، بر اعضای خود تسلط پیدا کرده و آنها را به ارتکاب اعمال غیرقانونی تشویق می‌کنند.

۲- ابعاد حقوقی و قانونی: ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی، با تأکید بر برخورد با فرقه‌ها و گروه‌های انحرافی، اقدامات خاصی را در خصوص جرم‌انگاری رفتارهایی چون تسلط روانی، سوءاستفاده‌های جنسی، جسمی و مالی و تبلیغ‌های انحرافی دینی پیش‌بینی کرده است. با این حال، خला‌های قانونی و ابهامات موجود در تفسیر دقیق این ماده، مانع از برخورد مؤثر و یکسان با فرقه‌ها در سطح عملی شده است.

۳- چالش‌های اجرایی و قانونی: با وجود برخی احکام قانونی، برخورد با فرقه‌ها در عمل با مشکلات زیادی مواجه است. از جمله این مشکلات می‌توان به نبود شناخت دقیق و همه‌جانبه از ماهیت فرقه‌ها و همچنین نارسایی‌های موجود در قوانین مربوطه اشاره کرد که ممکن است باعث کندی روند مقابله با این گروه‌ها و تشویق به رشد و توسعه آنها شود.

۴- ضرورت اصلاح و تکمیل قوانین: یکی از مسائل اصلی که در مقاله بررسی شد، ضرورت اصلاح و تکمیل قوانین مرتبط با فرقه‌ها به‌ویژه ماده ۵۰۰ مکرر بود. با توجه به ابهامات موجود در این ماده و تفسیرهای گوناگون آن، لازم است که تبیین‌های دقیق‌تری از مفاهیم و شرایط خاص آن به‌ویژه در زمینه‌ی کنترل ذهن، القائات روانی و تسلط بر افراد صورت گیرد تا امکان برخورد مؤثرتر با گروه‌های فرقه‌ای فراهم شود.

اهمیت اجتماعی و فرهنگی: در این پژوهش، به اهمیت برخورد با فرقه‌ها از جنبه‌های گوناگون پرداخته شده است. از یک سو، فرقه‌ها می‌توانند با تأثیرات مخرب روانی و اجتماعی، اعضای خود را به انحرافات جدی و حتی جرم‌های بزرگ سوق دهند. از سوی دیگر، این گروه‌ها می‌توانند پایه‌گذار بی‌نظمی و بحران‌های اجتماعی شوند که

تهدیدی جدی برای سلامت عمومی و امنیت اجتماعی به شمار می‌رود. در نتیجه، توجه به ماهیت و ساختار فرقه‌ها و ضرورت برخورد جدی و سریع با آنان، از جمله وظایف اساسی مراجع ذیصلاح امنیتی، قضایی و حتی فرهنگی به شمار می‌رود. با توجه به مسائل و پیچیدگی‌های موجود در برخورد با فرقه‌ها، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات بیشتری در زمینه‌های زیر انجام پذیرد:

۱- مطالعه و تحلیل دقیق‌تر قوانین: شفاف‌سازی ابهامات و نواقص موجود در قوانین مرتبط با فرقه‌ها و آسیب‌شناسی عملی آنها در جهت برخورد مؤثرتر با گروه‌های انحرافی.

۲- آموزش و آگاهی‌رسانی عمومی: تحقیقاتی در زمینه‌ی پیشگیری از پیوستن افراد به فرقه‌ها و روش‌های آموزشی برای آگاهی‌رسانی در جامعه به‌ویژه در مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها.

۳- مطالعات روان‌شناختی: بررسی روش‌های کنترل ذهن و القاءات روانی که فرقه‌ها برای جذب اعضای جدید به کار می‌گیرند و نحوه‌ی تأثیر این روش‌ها بر روان افراد و تصمیمات اجتماعی آن‌ها.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. اسماعیلی، حمیدرضا. (۱۴۰۰). سازمان سیاسی بهاییت. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۲. ابن حزم أندلسی، علی. (۲۰۱۶م). الفصل في الملل و الأهل و النحل. بیروت: دار الجلیل.
۳. اشو، راجنیش. (۱۳۸۲). اینک برکه‌ای کهن (مترجم: سیروس سعدوندیان). تهران: نگارستان کتاب.
۴. اشو، راجنیش. (۱۴۰۲). الماس‌های اشو (مترجم: مرجان فرجی). تهران: نشر فردوس.
۵. اشو، راجنیش. (۱۳۸۱). آینده طلایی، (مترجم: مرجان فرجی). تهران: نشر فردوس.
۶. اشو، راجنیش. (۱۳۸۱/ب). تعلیمات تانتر (مترجم: بهروز قنبری). تهران: نشر هدایت.
۷. الهام، غلامحسین؛ برهانی، محسن. (۱۳۹۲). درآمدی بر حقوق جزای عمومی (واکنش در برابر جرم). تهران: میزان.
۸. بروج، آرشیو کانال موسسه. (۱۳۹۷)، کانال: https://eitaa.com/basaer_1.
۹. پایگاه بهداشت معنوی. (۱۳۹۶). زرگر معنویت‌ها اعدام شد، <https://behdashtemanavi.com>.
۱۰. پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب. (۱۴۰۱). آسیب‌های بی‌تی‌اس، <https://www.adyannet.com>.
۱۱. زاکرمن، فیل. (۱۳۸۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی دین (مترجم: خشایار دیهیمی). تهران: لوح فکر و مؤسسه گفتگوی ادیان.
۱۲. زنجانی، عبدالاحد. (بی‌تا). جنگ قلعه‌ها؛ زنجان (به کوشش یدالله کائدی). بی‌جا: بی‌نا.
۱۳. رحمدل، منصور. (۱۳۹۸). رهبری باند مجرمانه و تشدید مجازات، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۷، ش ۱۴.
۱۴. سماواتی پیروز، امیر؛ داستان، زهرا. (۱۳۹۲). مبتلایان به اختلال شخصیت ضد اجتماعی، مجرم یا بیمار؟، نشریه حقوق پزشکی، دوره ۷، ش ۲۴.

۱۵. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). الغیبه. قم: دار المعارف الإسلامية.
۱۶. کاویانی، محمد. (۱۳۹۰). روانشناسی و تبلیغات با تأکید بر تبلیغ دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. کاستاندا، کارلوس. (۱۳۸۸). حقیقتی دیگر. (مترجم: ابراهیم مکلا). تهران: نشر دیدار.
۱۸. گیدنز، آنتونی. (۱۴۰۲). جامعه شناسی (مترجم: حسن چاوشیان). تهران: نشر نی.
۱۹. محمدی هوشیار، علی. (۱۳۹۶). نقد و بررسی جریان‌های مدعی معنویت. قم: ذکر.
۲۰. محمدی هوشیار، علی. (۱۴۰۰). درسنامه نقد و بررسی جریان احمدالحسن. قم: تولی.
۲۱. محمدی هوشیار، علی. (۱۳۹۷). جریان شناسی نفوذ احمداسماعیل در اقشار مذهبی ایران. قم: مرکز تحقیقات کاربردی ویژه روحانیت.
۲۲. محمدی هوشیار، علی. (۱۴۰۱). هارون یحیی؛ مهدی استانبولی. نشریه روشنا، پیاپی ۸۷-۸۸.
۲۳. مورگان کرون، یان. (۱۳۹۷). بازگشت به خود؛ خودشناسی از طریق اینیگرام (مترجم: ناهید ملکی). تهران: نشر نوین.
۲۴. میرسلیم، سیدمصطفی. (۱۳۷۵). دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۲۵. نوربخش، جواد. (۱۳۸۱). چهل کلام و سی پیام. تهران: یلدا قلم.
۲۶. هاشمی خراسانی، منصور. (۱۳۹۳). بازگشت به اسلام. افغانستان: دفتر نشر آثار.
27. Apte, V. S. (1965), *A Practical Sanskrit Dictionary*.
28. By Blatt, Sidney J. (1995), *The destructiveness of perfectionism: Implications for the treatment of depression*.

References

1. Apte, V. S. (1965). A practical Sanskrit dictionary.
2. Blatt, S. J. (1995). The destructiveness of perfectionism: Implications for the treatment of depression.
3. Borouj, A. (2018). Channel: https://eitaa.com/basaer_1. [In Persian]
4. Castaneda, C. (2009). Another reality (E. Mokla, Trans.). Tehran: Didar Publications. [In Persian]
5. Comprehensive Platform of Sects, Religions, and Denominations. (2022). The harms of BTS. Retrieved from <https://www.adyannet.com>. [In Persian]
6. Elham, G., & Borhani, M. (2013). An introduction to general criminal law (Reaction to crime). Tehran: Mizan. [In Persian]
7. Esmaili, H. (2021). The political organization of Baha'ism. Tehran: Institute for Political Studies and Research. [In Persian]
8. Giddens, A. (2023). Sociology (H. Chavoshian, Trans.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
9. Hashemi Khorasani, M. (2014). Return to Islam. Afghanistan: Office of Published Works. [In Persian]
10. Ibn Hazm Andalusi, A. (2016). Al-Fasl fi al-milal wa al-ahwa' wa al-Nahl. Beirut: Dar al-Jalil. [In Arabic]
11. Kaviani, M. (2011). Psychology and propagation with an emphasis on religious preaching. Qom: Research Institute for Seminary and University. [In Persian]
12. Mirsalim, S. (1996). Encyclopedia of the Islamic world. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation. [In Persian]
13. Mohammadi Hoshyar, A. (2017). Critique and review of movements claiming spirituality. Qom: Zekri. [In Persian]
14. Mohammadi Hoshyar, A. (2018). Analysis of the infiltration of Ahmad Ismail among Iran's religious groups. Qom: Center for Applied Research for Clergy. [In Persian]

15. Mohammadi Hoshyar, A. (2021). Textbook on the critique and review of the Ahmad al-Hasan movement. Qom: Tavalla. [In Persian]
16. Mohammadi Hoshyar, A. (2022). Harun Yahya; Mahdi Estantoli. Roshana, (87-88). [In Persian]
17. Morgan Cron, I. (2018). The road back to you: An Enneagram journey to self-discovery (N. Maleki, Trans.). Tehran: Novin Publishing. [In Persian]
18. Nourbakhsh, J. (2002). Forty words and thirty messages. Tehran: Yalda Qalam. [In Persian]
19. Osho, R. (2002). The golden future (M. Faraji, Trans.). Tehran: Ferdows Publications. [In Persian]
20. Osho, R. (2002b). Tantra teachings (B. Qanbari, Trans.). Tehran: Hedayat Publications. [In Persian]
21. Osho, R. (2003). Behold, an ancient pond (S. Saadvandian, Trans.). Tehran: Negarestan Ketab. [In Persian]
22. Osho, R. (2023). Osho's diamonds (M. Faraji, Trans.). Tehran: Ferdows Publications. [In Persian]
23. Rahmdel, M. (2019). Leadership of a criminal gang and sentence aggravation. Criminal Law and Criminology Research, 7(14). [In Persian]
24. Samavati Pirooz, A., & Dastan, Z. (2013). Antisocial personality disorder patients: Criminals or patients? Medical Law Journal, 7(24). [In Persian]
25. Spiritual Health Platform. (2017). Zargar, the spiritual leader, was executed. Retrieved from <https://behdashtemanavi.com>. [In Persian]
26. Tusi, M. (1990). Al-Ghaybah. Qom: Dar al-Ma'arif al-Islamiyyah. [In Arabic]
27. Zanjani, A. (n.d.). The battle of the forts; Zanjan (Y. Kaedi, Ed.). [In Persian]
28. Zuckerman, P. (2005). Introduction to the sociology of religion (K. Dihimi, Trans.). Tehran: Louh Fekr & Institute for Interfaith Dialogue. [In Persian]